

توضیح: متن زیر مذاکرات بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بخش مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق ایران است که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفتائی که در امر تبدیل گفتاری آن مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.
سایت سیاهکل - دسامبر ۲۰۱۰

(نوار شماره پنج - قسمت دوم)

حمید اشرف: چون عملاً حزب توده با همین رادیوی خودش و با همین انتشارات خودش، فعالیت های تبلیغاتی شو داره گسترش می ده

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و این جریان کاملاً خطرناکی هست.

تقی شهرام: یعنی شما به این خیلی اهمیت می دید؟

حمید اشرف: این می تونه سوسیالیزم پلیسی را در ایران ایجاد بکنه، که در آینده خطرناکه، حالا اگر حالا چیزی نباشه

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: یعنی

تقی شهرام: من معتقدم الان چیزی نیست. ولی آینده خطرناکه.

حمید اشرف: و این می تونه بعد و از همین حالا هم باید نوکشو چید.

تقی شهرام: درسته.

حمید اشرف: و تلاش ما هم از آغاز کمااینکه، مثلاً همین چیزی که ما دادیم، جزوه ای که ما منتشر کردیم و تو تابستون هم درواقع این کار را با قاطعیت می خواهیم ادامه بدیم، به رفقا هم توضیح دادیم که با اینکه مسئله حزب توده الان

تقی شهرام: واقعا مسئله ای نیست

حمید اشرف: مساله روز مره مهمی نیست،

تقی شهرام: حتی مثلاً رفیق هم گفته بابا هر گروهی تو خارج، واقعاً فحش میدن تو همین نشریات خارج، همه اش فحش می دن

حمید اشرف: نه آخه فرق می کنه

تقی شهرام: درسته، از چه موضعی؟ این حرف کاملاً صحیحه

حمید اشرف: از چه موضعی حمله می کنن؟

تقی شهرام: کاملاً درسته

حمید اشرف: اونها خودشون هم

تقی شهرام: کاملاً درسته. طوفات خودش، به قول معروف، سگ زرد برادر شغاله. احمد قاسمی خودش بدتر از رادمیشه، اون یکی بدتر از اونه. اینها که به هم، به قول معروف، می پرن، هیچ چیزی را ثابت نمی شه. هیچ حقیقتی روشن نمی شه.

حمید اشرف: و به خاطر همین مسئله هم، ما این جزوه را منتشرش کردیم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که حداقل پاسخ مونی برای همیشه داده باشیم به موضوع.

تقی شهرام: البته من حالا، بعد بحث می کنم، اینکه، شما، در اون جزوه، برا من، درسته خیلی جاها مثلاً فرض کن، برخوردهای تندی هم داشتید. ولی یک چیزایی را هم باز گذاشتید. حالا بعد اونو بحث می کنیم.

حمید اشرف: حالا، خیلی مشخص، همون که گفتیم که این انتقاد هم شده که گفتیم که چریک هاتونو بفرستید داخل.

تقی شهرام: ها اصلاً کلاً، اصلاً شما اونجا، می دونی، یه برخورد نکردید که شما نمی تونید، یعنی اصلاً ماهیت شما چنین اجازه ای را نمی ده مثلاً

حمید اشرف: خب ما

تقی شهرام: شما اونجا صحبت از، یا مثلاً صحبت از چیز مثلاً کارهایی می کنید مثل کاپیتال، درحالیکه مثلاً این یارو مرتیکه، کسی که اینو چاپ کرده، ایرج اسکندری، خودش رهبرشونه اصلاً. یا شما گفتید بعضی از عناصر مساعد تون، درحالیکه ایرج اسکندری، خودتون می شناسید کیه دیگه. پسر همون اسکندری

حمید اشرف: ولی خوب، ما تأیید می کنیم

تقی شهرام: آخه یه مسئله است

حمید اشرف: ما ترجمه هاشون

تقی شهرام: چی رو؟ شما می گید، اون عناصر بهترشون ایرج اسکندری که دیگه

حمید اشرف: نه، ما نگفتیم عناصر بهترشون.

تقی شهرام: حی

حمید اشرف: ما گفتیم در بین اینها یک عده روشنفکر هست که دارای

تقی شهرام: آخه خود ایرج اسکندری اصلی ترین رهبرشونه. کسی که تو قمارخونه های پاریس پوکر می زنه. همه می شناسنش اصلاً. یعنی این آدم اصلاً، آشغال ترین آدمه.

حمید اشرف: باشه. ما حتی این آشغال ترین آدم را هم،

تقی شهرام: گوش کن

حمید اشرف: اگر صرفاً بشینه آثار مارکسیستی را ترجمه بکنه

تقی شهرام: آخه نمی کنه این کارو.

حمید اشرف: و پخش بکنه، این کارشو تأیید می کنیم، چون به گسترش مارکسیسم کمک می کنه.

تقی شهرام: درست. حرف شما درست

حمید اشرف: ولیکن موضع سیاسی گفتیم نگیر. بشین تو ترجمه ات را بکن، کتابتو پخش کن.

تقی شهرام: آخه شما می دونید، یه برخورد، حالا، اون هم بعد بحث می کنیم. اگه وارد بحث های دیگه شدیم، اونجا ما مثلاً میگیریم به نظر ما بهتر بود که برخورد مثلاً اگه ما بودیم چه جوری برخورد می کردیم. خوب بگذریم از اون. بعد، به هر حال، اینها ملاحظات ما بود در مورد این مسئله. ما، آینده هم قبول داریم، اگر واقعاً این مسئله که شما مطرح می کنید، راجع به مسئله چیز مطرح هست، مسئله می رسید به این نقطه و این حرف ها. همچی چیزی را، گفته بودن، ولی من نمی دونم، من نشنیدم که، شنیده بودم مثل اینکه حرف هایی زده حزب

توده و اینها ولی من نمی دونستم که چنین مثلاً، نتیجه گیری ممکنه بشه. ما الان هم حاضریم، حتماً برخورد می کنیم

حمید اشرف: فقط در رابطه با چیزهایی که قبلاً گفته و موضع گیری ای که شما نکردید،

تقی شهرام: ما حتماً این موضع گیری را می کنیم.

حمید اشرف: این موضع گیری لازمه ولی خیلی

تقی شهرام: البته موضع گیری را کردیم تو این چیزها، یعنی تو این بیانیه، دیگه آخه ما، از این روشن تر، دیگه در یک جمله به هر حال گفته شده. یعنی، این خیلی آدمه، باید وقاحت داشته باشه برگرده مثلاً (نامفهوم...)

بهروز ارمغانی: بین مثلاً بعد از اون پخش بیانیه تون هم اونا پیامشونو پخش می کنند. پیامی که دادن مثلاً پارسال

تقی شهرام: بله

بهروز ارمغانی: اونا الان هم مثلاً دارن پخش می کنند. اگر مثلاً دو تا جزوه می خوان پخش کنن، اینو هم می گذارن جزوش پخش می کنند.

تقی شهرام: بله. خوب

بهروز ارمغانی: (نامفهوم...)

تقی شهرام: واقعاً بشینیم چاره جویی کنیم. ببینید، ما مثلاً تصمیم داشتیم، به جزوه ای دادن اینا "چریک های خلق چه می گویند؟" مثلاً ما تصمیم داشتیم اینو نقد کنیم و منتشرش بکنیم. یعنی جواب اینا را بدیم. دقت می کنید؟ یعنی واقعا این برنامه هارا حالا آگه روشن کردیم، رسیدیم به یک خطوط مشترکی، اینا را می تونیم بذاریم مشترکاً هم عمل کنیم. یعنی ما اصلاً موافقیم. ما همین کار را داشتیم به خاطر مسائل ایدئولوژیک ما خیلی از کارهای سیاسیمون به دلیل همین مسائل، درواقع یک مقدار عقب افتاد. یعنی اونجا مثلاً وعده داده شده، تو یکی از همین بیانیه ها، رویونیسمه، کدوم یکیه، مثلاً برخورد می کنیم با این جزوه مثلاً "چریکهای خلق"، یک چیزهایی هم هست، یادداشت هایی شده. خیلی حرف های مثلاً، ظاهراً خواستن مثلاً برخورد تئوریک بکنند، ولی خوب، خیلی جای حرف داره. میشه اینا را تو برنامه گذاشت، تقسیم مسئولیت کرد. ولی حالا، آینده برسیم ما، حاضریم در این زمینه ها، تا هر جایش به قول معروف، بیایم جلو. مسئله ای نیست. یعنی واقعاً اگر همچین جریانیه، همچین، شما، خطری را احساس می کنید، برخورد می کنیم بهش. یعنی واقعاً خوب، خطرناک هم هست. ولی تحلیل ما این بود از حزب توده. که این الان نیرویی نیست. همون گریه مرده است الان. ولی این را منکر نمی شیم که در یک شرایط در یک شرایط امکان داره چنگال دربارها! ببینید، همین طور که شما می گید "سوسیالیسم پلیسی" دقیقاً هم همین، یعنی اگر یک رژیم، (نامفهوم...) درواقع همین رژیم ایران، یا رژیم همین رژیم های بورژوازی دیگری در ایران مثلاً بوجود بیان، و اینها بخوان به جریانات به ظاهر دمکراتیکی بوجود بیان، این حزب توده اون موقع بعد اصلی ترین دشمن ما خواهد شد. متوجه ای چی می خوام بگم؟

حمید اشرف: بله

تقی شهرام: یعنی اینها این وسایل لازم اند در دست بورژوازی برای اینکه درواقع پرولتاریا پدر صاحب بچه اشو در بیان، و اینا را همانطور که شما می گید باید نوک شونو چید. و ما با این موافقیم. و اینا، اون موقع خطرناک میشن. همین ماریا سوارش ها، همین نمی دونم، بدتر از ماریا سوارش ها، بدتر از نمی دونم، همین دارو دسته اینها

تقی شهرام: بله. می گفتید!

بهروز ارمغانی: با توجه به اینکه ناهار هم باید بخوریم

تقی شهرام: بخوریم

بهروز ارمغانی: اگر امکان داشته باشه آنتراکت بدیم. ناهار بخوریم.

تقی شهرام: آنتراکت بدیم. اشکال نداره.

تقی شهرام: این اند فلانند، از این حرف هایی که

بهروز ارمغانی: بحث می کنند دیگه.

تقی شهرام: همین بحث ها و همین صحبت ها،

بهروز ارمغانی: این بحث را می تویم بکنیم.

تقی شهرام: آها، یک مسئله است، آیا صرفاً فقط این بحث ها را تا اینجا بکنیم که اونا رو حتماً حتماً متقاعدشون بکنیم؟ یا نه، اگر، مثال می زنم، مثلاً فرض کنید که ما در رابطه با همین هدف هامون، مثلاً چیری مثل "قیام کارگر" در می آریم. اگر اینا خواستند پخش کنند، ما بهشون ندیم؟ اگر مثلاً دو تا خبر و گزارش آوردند، ازشون نگیریم؟ این چیه، این چه جوری حل می شه؟ یا برعکس، حالا هرکدوم. یعنی اینو واقعاً چه جوری می تویم حلش کنیم؟ اینو واقعاً شما باید بشینیم صحبت کنیم. چون مسائل عملیه. یعنی شما باهاش درگیرید، ما هم درگیریم. یعنی واقعاً این ممکنه تقویت سیاست ضد مبارزه مسلحانه باشه؟ اینا را چه جوری باید حل کرد؟

حمید اشرف: اگر رابطه، رابطه ای باشه که اونها را به تدریج فانع کنه، و توجیه کنه، یعنی مبارزه باشه در حین این رابطه.

تقی شهرام: مبارزه در سطح جامعه می کنیم. در سطح یک مثلاً

حمید اشرف: نه، به طور مشخص

تقی شهرام: باشه

حمید اشرف: باید هم مبارزه بشه

تقی شهرام: بشه، خوب معلومه، ما وقتی می ریم می شینیم که ماست نمی شینیم. الان برخورد داریم مثلاً با یکی از این، از این گروه هایی هستند، سیاسی اند، هستند، سه، چهار تا از اینا، زیادند. پر اند، اخیراً هم خیلی زیاد شدند.

حمید اشرف: می دونی چرا؟

تقی شهرام: علتش مشخصه. یک جریان درواقع اپورتونیسته. یعنی درواقع اینا که نمی کشند، نمی توندند

حمید اشرف: نه در جریان چه جریان تبلیغاتی اینها زیاد شدند؟

تقی شهرام: اینها، مثلاً من فکر می کنم که عمدتاً فشار رژیمه رو عناصر روشنفکر، کلاً روشنفکرها هستند. و اینا چون نمی کشند، چون در واقع

حمید اشرف: نه خط کارشون را کی تعیین می کنه؟

تقی شهرام: شما می گید حزب توده تعیین می کنه؟

حمید اشرف: به نظر من، دو جناح از اپورتونیستها، رهبری اینها را به عهده دارند.

تقی شهرام: هوم

حمید اشرف: یکی جناح چینی ها، یکی هم جناح حزب توده. همین ها اساساً اگر بری پای حرف هاشون بشینی

تقی شهرام: ما نشستیم.

حمید اشرف: تکرار کننده حرف های یکی از این دو جناح هست.

تقی شهرام: نه میدانی

حمید اشرف: چه در رابطه با مبارزه مسلحانه

تقی شهرام: اتفاقاً بین، حالا درسته، از نظر کلی آگه بخوای بگی، میرن زیر پرچم اینا. یعنی من اتفاقاً، اینو قبول داریم ما. آگه ما واقعاً نجنیم، اینا میرن زیر پرچم اینا، ولی الان خیلی هاشون این طوری نیستند. یعنی خیلی هاشون می دونی، به دنبال زدگی هایی که پیدا کردند، درواقع، همون جریانات روشنفکرهایی که مایوس شدند، کسانی که درعین حال نمی توندند هم برگردند به بورژوازی پیوند بخورند، اینا راهشونو پیدا می کنند میرن تو کارخونه. بعد، حالا دلایلس هم شاید به مقدار بشه از نظر اجتماعی بحث کرد. بعد به مرور اینها به دلیل اینکه از طرف مبارزه مسلحانه هیچ برخوردی با اینا نمیشه، هیچ برخورد فعال. روز به روز حتی بطور ذهنی جدا میشن. و اجباراً به دامان اینا می افتن. ما از اینها زیاد دیدیم ها! یعنی طرف اینها که میرن، اوایل مثلاً هیچ جزوه ای ندارن، هیچی ندارن، به مرور می بینند که جزواتی که مثلاً مبارزاتشونو توجیه می کنه، علیه مبارزه مسلحانه، همین جزوات مثلاً تیپ های طوفان و موفان مثلاً یارو خیلی جالب بود. یکی از این گروه ها اومده بود، یک جزوه دست نویس آورده بود، می گفت اش که حالا نمی دونست با ما تماس داره، بعد گفته بود به طرف ما، بخون. بعد این گرفته بود و بعداً گفته بود حالا این یک جزوه ای بودش از همین چیزهایی که طوفان نوشته بود. تو همین به مقاله اش هم ما داشتیم. بعد اینها دست نویس بود. بعد این فحش می داد به طوفان، یعنی اینقدر عقلش می رسید که طوفانی ها مثلاً آدم های عوضی اند. یک گروه بودند، فحش می داد، ولی جزوه اش رو آورده بود و می گفتش که این خوبه بخون. دقت می کنی چی میگم؟ یعنی این جریانات هم موجوده تو اینا. یعنی اینا به دامان اونا می افتند. و خیلی تمیز هم می افتند. برای این که عموماً ندارند، تئوریزه نیست کاراشون. اختلافاتشون، یا حتی انگیزه ها و گرایش هائی که با ما مخالفه، اینها تئوریزه نشده، و اونا تئوریزه کردن. اجباراً وقتی اینا میان تو این مسیر، چطور میشه؟ خودبخود به دامان اینا رونده میشن. و اینو ما الان مواجه هستیم باهاش. طرف آورده به جزوه ای به ما داده، میگه که "خیلی بد نیست، چیزهای خوبی داره توش، اصلاً همه را هم باهاش موافق نیستیم". چون طرف مثلاً شرایط ایران را نیمه مستعمره نیمه فئودال دونسته اونجا، این یارو هم اینقدر دیگه عقلش می رسه که، بابا، دیگه، شرایط ایران نیمه مستعمره نیمه فئودال نیست. میگه ما بعضی هاشو قبول نداریم. یعنی منظورش این قسمت اش بوده. ولی بقیه همه اش چیزای خوبیه. بعد میبینیم جزوه اش هم مال خود طوفانه. بعد مثلاً میگیم بابا این مال طوفانه. میگه نه آقا، طوفانی ها آدمهای پدرسوخته ای اند، فلان اند، بهمان اند، از این حرف ها. یعنی این هم هست، یعنی اینجا، می بینی اعتبار درسته، یعنی این واقعاً باز ضعف ماست. یعنی ما نتونستیم

حمید اشرف: نه رفیق. همه اش هم به این اعتبار درست نیست

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: یعنی درحقیقت، این یک جنبه تعیین کننده مسئله هم نیست.

تقی شهرام: هوم

حمید اشرف: جنبه تعیین کننده مسئله اینه که کسانی که به هر حال در رأس گروه های سیاسی کار قرار می گیرند، یا پیشنهاد این شیوه کار را مطرح می کنند، کسانی هستند که از طرف دو جناح اپورتونیستی، که یکی حزب توده باشه و یکی هم گروه های مخالف، چینی، چه در خارج از کشور، چه در داخل، تحت تعلیم قرار گرفتند، تحت تعلیم ایدئولوژیک قرار گرفتند. اینها متونشونو، آثارشونو، یا از طریق جناح حزب توده، از طریق پخش آثارش و رادیو پیک اش، به طور مشخص این شیوه را تبلیغ می کنه. چینی ها و گروه های مختلف چینی

تقی شهرام: یعنی منظورت از چینی یعنی همین طوفان و ستاره سرخ و اینها را می گی؟

حمید اشرف: چینی ها

تقی شهرام: چینی ها همین اند دیگه!

حمید اشرف: سازمان انقلابی

تقی شهرام: سازمان انقلابی

حمید اشرف: نیروهایی از کادری ها هستند.

تقی شهرام: کادری ها که چینی نیستند که!

حمید اشرف: چرا.

تقی شهرام: نه.

حمید اشرف: البته

تقی شهرام: همین فرانسوی‌ها؟ تو فرانسسه اند تو فرانسسه کار می‌کنند عمدتاً
حمید اشرف: اینها گروه‌های مختلف دارند. یعنی اینها کادرهای سازمان انقلابی بودند که ازش جدا شدند.

تقی شهرام: صحیح

حمید اشرف: که البته جناح‌هایی شون هم موافق جنبش مبارزه مسلحانه اند

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: بعد

تقی شهرام: یکی از بچه‌ها نوشته بود که موافق جنبش مسلحانه اند و به مواضع هم‌سمپاتی هم دارند، از این حرف‌ها

حمید اشرف: بعضی هاشون اینطوری اند. بعضی از جناح هاشون اینطوری اند.
تقی شهرام: بله

حمید اشرف: بعد، کمونیست‌ها هستند. "سازمان انقلابی کمونیست" که در آمریکا هستند عمدتاً.

تقی شهرام: همین مجله "کمونیست" رو در می‌آرن.

حمید اشرف: مجله "کمونیست" رو در می‌آرن.

تقی شهرام: خوب.

حمید اشرف: اینها جناح‌های مختلف طرفدار چین هستند که اساساً کارشون هم پیاده کردن خط دولتی چین هست، در جنبش.

تقی شهرام: هوم

حمید اشرف: البته بعضی از جناح هاشون هستند که (نامفهوم...) به سیاست خارجی چین هم انتقاد می‌کنند. اما اساساً دنباله‌دنباله روی قطب اند دیگه، دنباله روی از قطب‌ها

تقی شهرام: آخه، یک مسئله است. اینها دنباله روی از قطب‌ها اند. این جریان به هر حال به اعتبار یک جریان اجتماعی تو جامعه ما می‌تونه ریشه بگیره.

حمید اشرف: این جریانی که هست

تقی شهرام: اینو باید باهش برخورد کرد. این ریشه را باید خشک کرد. اینو باید درواقع باهش برخورد کرد. او همیشه هست. این جریان اجتماعی را باید باهش برخورد کرد.

حمید اشرف: این جریان‌ها، البته در رابطه با واقعیت‌های عملی، خیلی از این گروه‌های سیاسی کار هم سرخوردگی پیدا می‌کنند.

تقی شهرام: هوم

حمید اشرف: یعنی این هم واقعیتی. یعنی ما تماس زیاد داشتیم با این نمونه‌ها که بعد از تجربه عملی تو کارخانجات، دچار سرخوردگی شدند. چرا که اون انتظاراتی که اینها دارند از رفتن به میون کارگرها

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: اجابت نمی شه، و ذهنی هستند در این رابطه. چون درسته که جنبش های خودبخودی کارگری به اصطلاح، مراحل ابتدایی خودشو داره طی می کنه، ولی اونطور که اینها در تئوری هاشون، به اصطلاح، فکر می کنند سریع می تونند به نتیجه برسند، در عمل سریع به نتیجه نمی رسند. و معمولاً این تبدیل میشه به این که یا تبدیل به کارگر ساده میشن، یعنی دارن استثمار میشن، خلاصه، تو کارخونه ها. یا این که اینطوری میشن، یا این هم که به جریانات فاسد کشیده میشن. چون واقعیت اینه که جنبش خود به خودی هم به اون وسعت و اون شکل اش در ایران وجود نداره. و خیلی از اینها که هدف اساسی شون را این می گذارند و از تهییج توده اجتناب می کنند، به مقدار دچار ناامیدی و شکست و، اینها میشن.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: این جریانات هم این شکلیه.

تقی شهرام: بله، خوب هست. منظور ما اینه که باید در مورد

حمید اشرف: مسئله اینه که در رابطه با اینها، اینها به هیچ وجه اون جریان نیرومندی نیستند که ما بخواهیم

تقی شهرام: من فکر می کنم که اینا اینطورها هم نیست

حمید اشرف: شرایط به اصطلاح، یعنی، خط مشی اینها و ایدئولوژی اینها را، حداقل یک

تقی شهرام: ببین، چون ما اینجا بحث کردیم. حالا، نمی دونم نوار روشنه، نیست، چه جوریه؟

حمید اشرف: نوار روشنه.

تقی شهرام: روشنه؟ آها! عرضم به حضورتون که، راجع به مسئله چی اتفاقاً حالا می رسیم، راجع به این مسئله ای که سوالات بعدی که تو طرح کرده بودی، چند تا مسئله بود که یکی امکانات خرده بورژوازی و اینا، که بحث کردیم، راجع به اون قسمت سومش، و دوم و به اصطلاح، چهارم بود، که مطرح شده بود که خط مشی جنبش مسلحانه، بطور مشخصی در رابطه با، به اصطلاح، یک رابطه ای برابر و معادل قرار گرفته با، مثلاً، نقطه نظرهای دیگه. من اولاً اینو رد می کنم و بعدش توضیح می دهم راجع به این مسئله که، فکر می کنم نظر شما اون قسمت از بیانیه ما است که ما جبهه را با توجه به نیروهای سیاسی، یعنی نیروهای سیاسی را هم، درواقع، دعوت کردیم به چنین جبهه ای، و ورودشونو در چنین جبهه ای، درواقع، بلامانع دونستیم. ها؟ فکر می کنم این باشه. نیست؟